

غزل شماره ۴۸۱

بشو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی
خون خوری کر طلب روزی ننماده کنی

آخر الامر گل کوزه گر آن خواهی شد
حالی فکر سو کن که پر از باد کنی

گر از آن آدمیانی که بهشت هوس است
عیش با آدمی بی چند پری زاده کنی

نکته بر جای بزرگان توان زد به گزاف
مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی

اجر باشدت ای خسرو شیرین دهنان
گر گاهی سوی فرهاد دل افتاده کنی

خاطرت کی رقم فیض پذیرد همیات
مگر از نقش پرکنده ورق ساده کنی

کار خود گریه کرم بازگذاری حافظ
ای بسا عیش که با بخت خداداده کنی

ای صبا بنکی خواجه جلال الدین کن
که جهان پُرسمن و سوسن آزاده کنی

تفسیر فال

اگر می‌خواهید غم و اندوه به سراغتان نیاید و از بار سنگین غم‌ها رهایی یابید، بهتر است به این نکته تأمل کنید که در نهایت برای همه ما روزی خواهد رسید که باید به دیار باقی برویم. با توجه به این واقعیت، شایسته است که توشه‌ی راه خود را از اعمال نیکو و ثواب فراهم آورید. بدون زحمت و تلاش نمی‌توان به مقام‌های بلند دست یافت؛ در واقع، هر گام مثبتی که برمی‌دارید، درختی از ثواب می‌کارد که می‌تواند در روزهای سخت زندگی سایه‌سار شما باشد. بنابراین مطمئن باشید که کارهای شما بی‌اجر نخواهد ماند و حتماً جواب خوبی برای تلاش‌هایتان دریافت خواهید کرد. آنگاه خواهید دید که این تلاش نه تنها شما را از غم‌ها دور نگه می‌دارد، بلکه نور امید و شادی را نیز در دل‌هایتان روشن خواهد کرد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)